

کتاب شاعر مشهور پاکستانی در راه ایران



شناسه خبر: ۱۴۰۵۸۹ دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۳ - ۱۳:۰۵

احمد شهریار از ترجمه رمانی از وحید احمد، شاعر پاکستانی، خبر داد و گفت: وحید احمد را می‌توان اولین رمان‌نویس بین شاعران پاکستانی در نظر گرفت.

احمد شهریار، شاعر و مترجم پاکستانی، در گفت‌وگو با خبرنگار فرهنگی موج خبر، از ترجمه رمانی از اردو به زبان فارسی خبر داد و گفت: کتاب حاضر اثر دکتر وحید احمد است، او از آن دست شاعران پاکستانی است که علاوه بر شعر، در فضای رمان نیز فعالیت کرده و در این زمینه آثار موفقی تألیف کرده است.

وی ادامه داد: وحید احمد را می‌توان اولین رمان‌نویس بین شاعران پاکستانی در نظر گرفت. دغدغه‌های اجتماعی، عرفانی و تاریخی در آثار او به چشم می‌خورد و با توجه به اینکه نویسندۀ خود یک پزشک است، در آثارش به ویژه در

حوزه رمان، از دانش پزشکی خود نیز بهره می برد. با توجه به محتوای آثار و دغدغه های او در کتاب هایش، رمان او می تواند برای مخاطب فارسی زبان جذابیت داشته باشد. از سوی دیگر، ترجمه آثار اردو به زبان فارسی و بالعکس می تواند همانند پلی، این دو فرهنگ را به یکدیگر نزدیک کند. ایرانی ها از ادبیات پاکستان فقط اقبال را می شناسند؛ این در حالی است که باید دو ملت و دو همسایه از طریق ترجمه یکدیگر را بیش از پیش بشناسند.

شهریار با بیان اینکه ترجمه رمانی از وحید احمد به زودی در ایران منتشر خواهد شد، به ویژگی های شعری او نیز اشاره و اضافه کرد: از او تاکنون بیش از 15 اثر منتشر شده است که همگی در زمینه شعر، داستان و رمان بوده اند. وحید احمد از بهترین شاعران نیمایی امروز پاکستان است. «شاه کلید» از جمله اشعار اوست که از کتاب «پریان فرود می آیند» انتخاب شده است:

خانه جدیدی که اجاره کردم
(مثل کوه) پژواک زیادی داشت
و میان دیوارهای نم دار
از سرما به خود می لرزید
ناگهان دری را در حیات خلوت دیدم
که قفل بود
و روی آن
کسی با خط بدی نوشته بود:
«یکشنبه»
شاه کلیدی را با زحمتی فراوان
داخل قفل زنگ زده چرخاندم
در آهی کشید و باز شد
از در که گذشتم
وارد اتاق قوس داری شدم
که در آن باز هم دری بود
که رویش نوشته شده بود: «دوشنبه»
آن هم قفل بود
باز شاه کلید را انداختم
در حق کنان باز شد

وارد شدم
باز هم همان اتاق و همان در بود
من از میان نیم دایره ها
با شنیدن صدا های آه
و حق حق
و بیهوشی
و سرمستی
و نابودی
و قهقهه
و یکنواختی سنگ شده عبور کردم
و پس از تکمیل یک دور کامل
دوباره ساکن و ساکت
خودم را رو به روی در اولی یافتم
دری که همچنان قفل بود
با همان قفل زنگ زده

انتهای پیام/

انتهای پیام/